



تکس: ایرنا

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



دیپلماسی برای جلوگیری از جنگ بین حزب‌الله و اسرائیل

از زمان آغاز حملات تحت فرماندهی حماس به اسرائیل در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله برای بیان نظرات خود در رویارویی این گروه با اسرائیل در طول مرز لبنان، پنج سخنرانی عمومی انجام داده است. روی هم رفته، این سخنرانی‌ها نشان‌دهنده چرخشی چشمگیر در قواعد نبرد و موضوع بازدارندگی است که از جنگ تابستان ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) بین دو طرف حاکم بوده است. افزون بر این، سخنرانی‌های او این نکته را روشن نشان می‌دهد که حزب‌الله در حال حاضر خواهان جنگ با اسرائیل نیست و می‌خواهد به وضع موجود بازدارندگی پیش از جنگ غزه برگردد؛ این امر به حزب‌الله امکان می‌دهد زیرساخت‌های نظامی و نیروی نظامی خود را تقویت کند و به توبه خود، به حامی خود، ایران، خدمت کند. برای سیاست خارجی آمریکا، پیش‌گیری از جنگ تمام‌عیار بین حزب‌الله و اسرائیل یک اولویت است و نیازمند بررسی دقیق منافع است که حیات این گروه شبه‌نظامی شیعه مستقر در لبنان به آن متکی است. اولویت‌های کنونی حزب‌الله عبارت است از: پرهیز از جنگ با اسرائیل، حفظ زیرساخت نظامی خود و پیگیری حمایت داخلی. اما این گروه با محدودیت‌های مالی و نظامی روبرو است و در برابر فعالیت‌های اطلاعاتی اسرائیل به شدت آسیب‌پذیر است. حزب‌الله در حال حاضر جنگ با اسرائیل را نمی‌خواهد و به دنبال بازگشت به وضع بازدارندگی پیش‌جنگ است. این گروه بودجه کافی برای جنگ و بازسازی پس از آن ندارد و رهبری نظامی آن به دلیل از دست دادن فرماندهان کلیدی تضعیف شده است. خاستگاه شیعی حزب‌الله در لبنان، به دلیل بحران اقتصادی و فقدان گزینه‌های اسکان مجدد، از تصمیم به جنگ حمایت نمی‌کنند. این گروه نمی‌خواهد توانمندی‌های خود را برای نجات حماس هدر دهد و مایل است از پیامدهای یک جنگ تمام‌عیار پرهیز کند. حزب‌الله به شدت در برابر فعالیت‌های اطلاعاتی اسرائیل آسیب‌پذیر است و بر شناسایی منابع اطلاعاتی اسرائیل و برطرف کردن نقاط ضعف خود تمرکز دارد. هراس حزب‌الله، ارتش اسرائیل را جسورتر کرده تا از خطوط قرمز پیشین عبور کند و این امر احتمال جنگ را افزایش داده است. ارتش اسرائیل فرماندهان بلندپایه حزب‌الله را هدف گرفته و کشته است و بخش مهمی از زیرساخت‌های نظامی این گروه را نابود کرده است. فرستاده پرزیدنت بایدن پیشنهاد کرده تا یک مرزبندی زمینی جدید مشابه قرارو مدار بین اسرائیل و لبنان در مرز دریایی انجام شود، اما حمله ۱۵ اکتبر (۱۵ مهر) اولویت‌ها و محاسبات اسرائیل را تغییر داده است. محور تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا ضمن توجه به تهدید و نفوذ حزب‌الله در لبنان، بر مرزبندی مجدد و اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متمرکز بوده است. آمریکا قصد دارد مرز اسرائیل-لبنان را به‌طور روشن تعیین و قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت را اجرا کند. با وجود صدور قطعنامه یادشده، حزب‌الله حضور خود را در طول مرز حفظ کرده است. کنترل حزب‌الله بر نهادهای امنیتی و نظامی لبنان امکان قاچاق سلاح را فراهم می‌کند. ارتش لبنان و صلح‌بانان سازمان ملل در برخورد با حزب‌الله در طول مرز ناکارآمد بوده‌اند. عاموس هاکشتاین، فرستاده آمریکا یک طرح تنظیم مقررات و حل نکات مورد مناقشه مرزی پیشنهاد داده است. طرح هاکشتاین به دو مرحله تقسیم شده که هدف نهایی آن رسیدن دوباره به یک توافق مرزبندی کامل است. محدودسازی نفوذ حزب‌الله در لبنان برای امنیت و صلح بلندمدت حیاتی است. اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل و پیمان طائف می‌تواند حاکمیت لبنان را تقویت و کنترل حزب‌الله را محدود کند. حزب‌الله در حال تبدیل شدن به ارتش منطقه‌ای برتر ایران است و در نتیجه اولویت‌ها و استراتژی‌های آن نیز در حال تغییر است. حزب‌الله از یک گروه مقاومت بر ضد اسرائیل تحول یافته و در حال تبدیل شدن به ارتش اصلی ایران در منطقه است. ایران قصد دارد آمریکا را از منطقه بیرون کند و اسرائیل را به محلی غیرقابل زیست تبدیل کند. توانمندی‌های حزب‌الله و حوشی‌ها برای نقشه‌های ایران حیاتی است و به آن‌ها امکان می‌دهد تا بدون اعلام جنگ علنی، نیروهای آمریکا و متحدان را مورد آسیب قرار دهند. فعالیت دیپلماتیک بین اسرائیل و لبنان می‌تواند از نظر ایران مفید تلقی شود و برای حزب‌الله زمان بخرد تا برای خصومت‌های آینده آماده شود.

قمار عادی سازی

ایران همچنان متغیری مهم در پیوستن عربستان به توافق ابراهیم است

تحولات بی‌سابقه بین برخی از گروه‌های فلسطینی با نیروهای اشغالگر را که منجر به افزایش سطح خشونت در برخی از جبهه‌ها شده است، رصد می‌کند. این بیانیه تأکید کرد که «عربستان بار دیگر هشدارهای مکرر خود درباره خطرات انفجار اوضاع در نتیجه ادامه اشغالگری و محروم ماندن ملت فلسطین از حقوق مشروع‌شان و همچنین تکرار اقدامات تحریک‌کننده هدفمند علیه مقدسات آن‌ها را تکرار می‌کند.»

پس از این بیانیه بود که منابعی در اسرائیل و ایالات متحده اعلام کردند که سعودی‌ها به اطلاع واشنگتن رسانده‌اند که هرگونه مذاکره در ارتباط با عادی‌سازی روابط با تل‌آویو یا هرگونه اقدامی در قبال آن را متوقف می‌کند. ولیعهد عربستان در دیدار با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا که برای اولین بار در پی تنش در اراضی اشغالی راهی کشورهای منطقه شده بود، با تأکید بر اینکه عملیات نظامی در غزه که افراد بی‌گناه قربانی آن شدند، باید متوقف شود، گفت: «عربستان برای ایجاد آتش‌بس و توقف تنش در غزه تلاش و با طرف‌های مختلف در تماس است.» وی همچنین افزود: «باید به قوانین بین‌المللی و انسانی از جمله برداشتن حصر از نوار غزه احترام گذاشت. عربستان هدف قرار دادن غیرنظامیان و از کار انداختن زیرساخت‌ها در غزه را نمی‌پذیرد.»

واشنگتن بیست روز پس از این دیدار در خصوص جزئیات آن نوشت: «محمد بن سلمان، بلینکن را از عصر تا صبح فردا برای ملاقات معطل کرده و هنگام دیدار نیز اولین سخنش، پایان محاصره غزه و توقف عملیات ارتش اسرائیل بود.» در جریان گفت‌وگو با رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۵ اکتبر در مورد جنگ غزه نیز، ولیعهد سعودی به جو بایدن در خصوص نیاز به «بازایی مسیر صلح برای اطمینان از دستیابی مردم فلسطین به حقوق مشروع خود» و همچنین «دستیابی به راه عادلانه و جامع» صلح میان اسرائیل و فلسطین تأکید کرده بود. همچنین در ۱۱ نوامبر، عربستان سعودی میزبان نشست مشترک فوق‌العاده سازمان همکاری اسلامی (OIC) و اتحادیه کشورهای عربی بود. این نشست چندجانبه در واکنش به شرایط استثنایی در نوار غزه برگزار شد و دولت سعودی موفق شد یک موضع جمعی واحد را در میان شرکت‌کنندگان در اجلاس سران رهبری کند.

اگر محمد بن سلمان بتواند ایالات متحده و به تبع آن اسرائیل را برای اجرای مفاد مغفول‌مانده توافق اسلو تحت فشار قرار دهد، قدم بزرگی را در تاریخ مناقشه اسرائیل و فلسطین بر خواهد داشت



فاطمه کلانتاری

خبرنگار گروه دیپلماسی

عملیات طوفان الاقصی و تحولات پس از ۱۷ اکتبر، این فرضیه را در میان بسیاری از تحلیلگران و اندیشکده‌ها به یک نظریه تبدیل کرد که اساس آنچه حماس از ماه‌ها قبل برای اجرایی شدن آن برنامه‌ریزی کرده بود، به عنوان واکنشی در برابر روند سریع عادی‌سازی روابط میان عربستان سعودی و اسرائیل صورت گرفت. جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز که امید داشت در روزهای منتهی به آغاز کمپین انتخابات سال ۲۰۲۴، خبر توافق ریاض و تل‌آویو را اعلام کند، ۲۹ مهر ماه در یک سخنرانی گفت: «یکی از دلایل اینکه چرا حماس به اسرائیل حمله کرد، این بود که آنها می‌دانستند من در آستانه نشست با سعودی‌ها هستم.» وی افزود: «حماس یک حمله مگر بار را در ۱۷ اکتبر آغاز کرد زیرا، حدس بزنید به خاطر چی؟ سعودی‌ها می‌خواستند اسرائیل را به رسمیت بشناسند و تقریباً می‌توانستند به‌طور رسمی این کار را انجام دهند.» در ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳ (۲۹ شهریور) بود که محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز، موضوعات مختلفی از جمله سیاست عربستان در مورد اسرائیل را مورد بحث قرار داد. به‌طور خلاصه، او اعلام کرد که چشم‌انداز عادی‌سازی روابط بین دو کشور هر روز نزدیک‌تر می‌شود؛ هر چند شاهزاده سعودی در این مصاحبه مهم تلاش کرد تا با تأکید بر حقوق فلسطینی‌ها، موقعیت پادشاهی را در جهان اسلام به خطر نیندازد و حساسیت افکار عمومی را نیز کنترل کند اما، نمی‌توان انکار کرد که این مصاحبه زنگ خطری برای تمام ذینفعانی بود که از آنکه این بار قرعه توافق ابراهیم به نام سعودی‌ها افتاده است، خوشحال نیستند.

تعلیق عادی‌سازی

عربستان سعودی در ۱۵ اکتبر و ساعاتی پس از آغاز تحولات در نوار غزه، در بیانیه‌ای اعلام کرد که عربستان

مقدمات بازگشت به عادی‌سازی

با گذشت نزدیک به ۱۵۰ روز از جنگ در نوار غزه و آمار بالای کشته‌شدگان غیرنظامی، ریاض تحت فشار شدید قرار گرفته است تا جایی که عربستان سعودی در ماه فوریه نیز اعلام کرد، تا زمانی که کشور مستقل فلسطین ایجاد نشود هرگز با اسرائیل روابط دیپلماتیک برقرار نخواهد کرد. وزارت خارجه عربستان سعودی در بیانیه‌ای با اشاره به مذاکرات ریاض و واشنگتن در مورد فرایند صلح میان اعراب و اسرائیل اعلام کرد که موضع «قاطع» خود را در این باره به اطلاع دولت آمریکا رسانده است. پیش‌تر سفیر عربستان سعودی در بریتانیا گفته بود که کشورش مایل به عادی‌سازی روابط با اسرائیل پس از پایان جنگ در غزه است اما هرگونه عادی‌سازی باید در مسیر تشکیل کشور مستقل فلسطینی باشد. سفیر عربستان در آمریکا نیز در سخنرانی خود در اجلاس داووس در این خصوص گفت، قبل از آتش‌بس در غزه هیچ رابطه‌ای با اسرائیل وجود ندارد.

قطعاً امروز فلسطینی‌ها به‌ویژه تشکیلات خودگردان به‌عنوان نماینده رسمی در هرگونه مذاکره احتمالی محسوب می‌شوند و روابط خوبی هم با عربستان دارند، از موضع ریاض در قبال موضوع دودولتی استقبال می‌کنند.

در روزهای نخست پس از جنگ نیز محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با ولیعهد سعودی تماس گرفت تا در مورد تشدید تنش نظامی در غزه و سرزمین‌های اشغالی گفت‌وگو کند و همچنین او را در مورد وخامت سریع اوضاع انسانی و خطرانی که درگیری برای امنیت و امنیت گسترده‌تر ایجاد کرده، آگاه کند. مقامات در رام‌الله مایل هستند تا در نتیجه تحولات پس از ۱۷ اکتبر بتوانند پای میز مذاکره برای امضای توافقی بنشینند که کشور فلسطینی را از سوی اسرائیل به رسمت بشناسند و اگر محمد بن سلمان بتواند ایالات متحده و به تبع آن اسرائیل را برای اجرای مفاد مغفول‌مانده توافق اسلو تحت فشار قرار دهد، قدم بزرگی را در تاریخ مناقشه اسرائیل و فلسطین بر خواهد داشت، البته این در حالی است که به نظر می‌رسد حماس ساز و حال در این مقطع از هرگونه گفت‌وگو پیرامون مسئله عادی‌سازی استقبال نمی‌کند؛ برای مثال سامی ابو زهری از رهبران جنبش حماس در واکنش به سخنان ریما بنت بندر، سفیر عربستان در ایالات متحده گفت: «فشار طرف‌های عربی برای توقف جنگ در غزه خوب است اما مایه تأسف است که روابط با رژیم اسرائیل سنگ‌بنای هر تحرکی در منطقه است.» وی افزود: «غزه با سکوت رسمی کشورهای عربی شوکه و غافلگیر شد پس بار دیگر با عادی‌سازی روابط با رژیمی که این منطقه را ویران کرده و زنان و کودکان آن را به قتل رسانده است، غزه را آزرده و غمگین نکنید.»

پیش از این اسرائیل در تلاش برای دستیابی به توافقی با عربستان سعودی مانند توافق با امارات و بحرین بود که در آن اطمینان حاصل کند، هیچ طرف ثالثی یعنی فلسطینی‌ها در هیچ توافق احتمالی دخالت نمی‌کنند، هر چند به نظر می‌رسد تل‌آویو آماده بود تا وعده‌هایی شفاهی و بدون ضمانت اجرا را به طرف سعودی برای حفظ جایگاه ریاض در جهان اسلام ارائه کند اما امروز شرایط به نحو دیگری رقم